

نام نویسنده: ولادیمیر ولادیمیروویچ، گالیسین¹
نام کتاب: دولتهای محاط در خشکه و حقوق بین الملل دریاها
نشر: روابط بین المللی، مسکو، ۱۹۷۸
برگرداننده: عید محمد عزیزپور

فصل نخست

حق دولتهای محاط در خشکه به دسترسی آزاد به و از دریاها

۱ - شناسایی حق دولتهای محاط در خشکه به داشتن پرچم دریایی

اقیانوسها و دریاها در روند همزیستی مردمان بمتابۀ راه آسان نقش مهم را بازی کرده است. کارل مارکس نوشته است که «پهناب جهانی، شاهراه فراخناک عمومی همه خلق هاست».

فعالیت دولتها در دریاها و اقیانوسها، بر پایه حقوق بین الملل دریاها² تنظیم می گردد. تهداب حقوق بین الملل دریاها را اصل آزادی دریاها³ می سازد که

¹ **یادداشت برگرداننده:** نویسنده این کتاب یکی از حقوقدانان نامور روسیه است. او تا کنون در زمینه حقوق بین الملل دریاها سه کتاب و بیش از ۳۰ مقاله علمی به نشر رسانیده است. آقای گالیسین از اکتوبر سال ۲۰۱۴ بدین سو، رییس دادگاه بین المللی حقوق دریاها (ITLOS) در هامبورگ است (۲۰۱۵). چون این کتاب پیش از تصویب پیماننامه سال ۱۹۸۲ ملل متحد درباره حقوق دریاها نشر شده است، مترجم این اثر، آگهی های بایسته را که پس از نشر این کتاب رخ داده است، در پانوشت ها خواهد افزود. آگهی های مترجم با حرف (م) در میان دوکمان نموده شده است. پانوشت ها و آگهی های دیگر در کتاب که بدون حرف (م) است، از نویسنده کتاب می باشد.

² حقوق بین الملل دریاها جزو از حقوق بین الملل عمومی است که هنجار های آن بر رفتار دولت ها و کساوندان دیگر حقوق بین الملل در رابطه با بهره برداری و استفاده از اقیانوس ها و دریا ها حکمفرما است. م

³ **آزادی دریا های:** ماده ۸۷ پیماننامه حقوق بین الملل دریاها ۱۹۸۲ آزادی های موجود در دریای آزاد را اینچنین برمی شمارد: ۱ - آزادی کشتیرانی، ۲ - آزادی پرواز؛ ۳ - آزادی قرار دادن کبل ها و لوله های زیر دریایی؛ ۴ - آزادی ساختن جزیره های

در طی گذشت سده ها، پی ریزی شده است. این اصل در دوران یافت و یاب های بزرگ جغرافیایی بالندگی یافت و در پایان سده هژدهم و آغاز سده نهم ترسایی به گونه اصل پذیرفته شده حقوق بین الملل هویدا گشت.

با آنهم نمی توان تایید کرد که اصل آزادی دریاها در آن روزگار خصلت همگانی داشت، زیرا که این اصل، کشور های محاط در خشکه را دربر نمیگرفت. در سده هژدهم، دیدمان (تیوری) رومند بود که در ناسازگاری با برابری حقوق و حاکمیت دولتها قرارداد داشت و آن حق کشور های محاط در خشکه را به فرستادن کشتی به دریا های آزاد، زیر پرچم ملی خویش، به دیده شک می نگریست.⁴

در سال ۱۸۶۴ ترسایی در جاپان یک کشتی که به سفارش کشور سوئیس ساخته شده بود، به دریا شناور شد. در رابطه با این موضوع کشور سوئیس با ۱۴ کشور مهم دریایی آن زمان به مشوره و سگالش پرداخت تا آنان حق آن کشور را به داشتن پرچم دریایی بشناسند. هیچ یک از آن کشورها به این موضوع اعتراض نکرد، اما در رابطه با کارایی این عمل، به خاطر مشکل اجرای کنترل مؤثر بر چنین کشتی ها، شک و تردید بیان گردید. به گونه مثال، دولت فرانسه و کشور پروس⁵ به این نظر بودند که مسوولیت ناشی از وابستگی ملی یک کشتی، زمانی می تواند واقعی باشد که آن کشتی در یکی از بندر های دریایی آن دولت ثبت شده باشد و با بازگشت به آن بندر سروان یا ناخدای

مصنوعی و سایر تاسیسات مجاز؛ ۵ - آزادی ماهیگیری؛ ۶ - آزادی پژوهشهای دانشیگ یا علمی؛ م.

⁴ B. C. Верещетин. Свобода судоходства в открытом море. М., 1958, с. 24

⁵ در زمان ما کشوری به این نام وجود ندارد. پروس، و در بعضی منبع ها پروسیا، در ابتدا منطقه سکونت قوم بالتی غربی به نام پروسها بوده است. بعدها یکی از کشورهای شوالیه های آلمانی شد و از قرن ۱۶، توسط یک دوکشین از خانواده هوهنتسولرن، که در آغاز تحت سلطه فنودالی لهستان و سپس سوئیدن بود، حکومت می شد. در سال ۱۷۰۱ یک امپراتوری مستقل تشکیل داد و بین سالهای ۱۸۷۱-۱۹۴۵ به یکی از ایالت های امپراتوری آلمان تبدیل شد. م

کشتی، سرنشینان و مسافران آن کشتی، از خاطر انجام عملهای ضد قانونی خویش در دریاهای آزاد⁶ اگر صورت گرفته باشد، بتوانند کیفر ببینند.⁷

با در نظر داشت دیدگاه کشورهای برجسته دریایی آن زمان، شورایی فدرال کشور سوئیس، شهروندان را مدت مدیدی از حق استفاده از پرچم ملی در دریاها منع کرده بود. سرانجام، در سال ۱۸۸۹ ترسای شورای فدرال کشور سوئیس فیصله کرد که شهروندان حق دارند بر فراز کشتی ها، پرچم ملی شان را برافرازند. با آنهم، به سبب نبود شناسایی عمومی چنین حق از سوی کشورهای دیگر، کشتی های آن کشور ناچار بودند تا پایان جنگ جهانی اول، در یکی از بندرهای یک کشور ساحلی ثبت نام شوند، و زیر دو پرچم دریانوردی کنند: یکی پرچم خود کشور سوئیس و دیگری پرچم کشور ثبت بندر.

در پایان سده نهم و آغاز سده بیستم، حکومت سوئیس سعی و تلاش زیاد کرد تا شناسایی حق داشتن کشتی زیر پرچم ملی خودش را از سوی کشورهای بزرگ دریایی آن روزگار به دست آورد. ولی همه کوشش و تلاش اش سودی

⁶ دریای آزاد یا دریاهای آزاد، آن منطقه هایی از دریاها و اقیانوس های جهان اند که بیرون از محدوده آب های داخلی و دریاهای سرزمینی دولت های ساحلی واقع اند و به روی همه ملت ها بازند، و هیچ دولتی نمی تواند به طور قانونی بر هیچ بخشی از آنها اعمال حاکمیت کند. اما در دهه های پسین، این آزادی تا اندازه ای رويه محدودیت گذاشته است. امروزه با پیدایش منطقه انحصاری اقتصادی و پیش بینی وضعیت خاص آب های اطراف کشورهای گنگیاری (مجمع الجزایری) به عنوان آب های گنگیاری (مجمع الجزایری) در پیماننامه ۱۹۸۲ حقوق دریاها، تعریف دریای آزاد تا اندازه زیادی دچار دگرگونی شده است. بدین ترتیب که منطقه انحصاری اقتصادی و آب های گنگیاری از حیطه شمول دریای آزاد خارج شده اند و در نتیجه گستره دریای آزاد محدود شده است. ماده ۶۸ پیماننامه ۱۹۸۲ مقرر می کند که دریای آزاد عبارت است از: «...کلیه قسمت های دریا که جزء منطقه انحصاری اقتصادی، دریای سرزمینی یا آب های داخلی کشورها یا بخشی از آب های گنگیاری کشورها ی گنگیاری نباشد».

یادداشت: برگرداننده واژه ساده فارسی گنگیار را آگاهانه در برابر واژه ترکیبی مجمع الجزایر عربی گذاشت است. گواه: همان تا بدین گنگیار از شگفت - چه بینیم کان یاد باید گرفت. م

⁷ См. Д. Колумбос. Международное морское право. М., 1975, c.237.

نبخشید. اما دیدگاه کشور سویس در دکتترین یا نگره حقوق بین الملل⁸ پشتیبانی
پیدا کرد: حق کشورهای محاط به خشکه به داشتن کشتی به زیر پرچم ملی
خویش از سوی حقوقدانانی مانند؛ ف.ف. مارتنس⁹، ا. ریفیه، ا. ایهلمن¹⁰ و
دیگران تایید گردید¹¹.

چنانچه بلونچیلی¹² نوشت: «نه تنها دولتهای ساحلی، بلکه دولتهای که در
اندرون خشکاد (قاره) جا گرفته اند، برخوردار از حق داشتن کشتی های ملی
اند که بر فراز آنها بیرق ملی خویش را برافرازند... همانگونه که تمام خلقها
در بازرگانی جهانی سهم اند، به همان اندازه تمام خلقها حق دریانوردی را در
تمام جهان دارا اند. هیچ دلیلی حقوقی وجود ندارد که بر پایه آن یک خلق را
واداشت تا برای تجارت از کشتیهای ملی خویش استفاده نکرده و از کشتیهای

⁸ مراد از آن حقوق بین الملل عمومی میباشد که مجموعه اصل ها و هنجارهای الزام
آور حقوقی است که دولتها و کسانندان دیگر حقوق بین الملل، در روابط میان خویش،
به رعایت آن متعهد اند. این اصل ها و هنجار ها ناشی از رشد پیوند های بین المللی
است و بنوبه خویش رابط های بین المللی میان دولتها و سازمانهای بین المللی را در
زمینه های مختلف تنظیم نموده و سروسامان می بخشد؛ و در بعضی موردها نیز حقوق
و وظیفه ها در رابطه با افراد مقرر میدارد. هدف اساسی حقوق بین الملل تأمین صلح و
امنیت بین المللی بر پایه همکاری میان کشورهاست. م

⁹ فیویدر فویدرویچ مارتینس ۱۸۴۵ - ۱۹۰۹، حقوقدان حقوق بین المللی، نویسنده
کتاب بنیادین در حقوق بین الملل به فرنام «حقوق بین الملل امروزین خلق های متمدن»
(۱۸۸۲)، کارمند وزارت خارجه روسیه در زمان زندگانی اش، و یکی از سازماندگان
کنفرانس های صلح لاهه سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، معاون دانشسرای اروپایی حقوق بین

الملل و عضو دیوان دایمی داوری در لاهه (منبع: ویکی پیدیا به روسی). م.
¹⁰ اتون اتونویچ ایهلمن (Оттон Оттонович Эйхельман)، زاده سال ۱۸۵۴
درگذشت سال ۱۹۴۳، حقوقدان روسی و اوکراینی، کارشناس در بخش حقوق دولتی و
حقوق بین الملل. م

¹¹ Ф. Ф. Мартен. Современное международное право
цивилизованных народов, СПб., с. 385; О. Эйхельман. Очерки из
лекций по международному праву. Вып. 2. Киев, 1900. С.29; А.
Ривье. Учебник международного права. М., 1893, с. 110

¹² Johann Kaspar Bluntschli (1808 - 1881)

دیگران استفاده کند».¹³ اما با آنهم، هم بلونچیلی و هم حقوقدانان دیگر روا میدانستند که یک کشور محاط در خشکه، به علت نامناسب بودن آن، می تواند ازین حق به گونه داوطلبانه خودداری ورزند.

در کنفرانس صلح پاریس سالهای (۱۹۱۹-۱۹۲۰)¹⁴ میلادی نمایندگان سوئیس یادداشتی را به آن کنفرانس پیش کشیدند که در آن از همه کشورها خواسته شده بود که حق کشورهای محاط در خشکه را به داشتن پرچم دریایی به رسمیت بشناسند.¹⁵ در یادداشت گفته شده بود که «اگر در درین زمینه، میان کشورهای محاط در خشکه و کشورهای ساحلی فرقی گذاشته شود به هدف اینکه کشورهای محاط در خشکه از حقوقی که مطابق هنجارهای حقوق خلقها از آن برخوردار اند، محروم گردانیده شوند، پس، این به معنای بی پروایی کامل به اصل برابری دولتهاست، اصلی که مناسبات بین المللی باید بر بنیاد آن استوار بماند».¹⁶

کنفرانس صلح پاریس حق کشورهای را که ساحل دریایی ندارند، به داشتن پرچم دریایی به رسمیت شناخت. این حق در ماده ۲۷۸ معاهده صلح وارسای¹⁷

¹³ См. Влунчли Современное международное право цивилизованных народов, изложенное в виде кодекса. М., 1876, с. 210-211

¹⁴ کنفرانس بین المللی (Paris Peace Conference) که از ۱۸ جنوری سال ۱۹۱۹ تا ۲۱ جنوری سال ۱۹۲۰ دوام کرد و از سوی دولت های پیروزمند جنگ جهانی اول برگزار شد تا پیمان های صلح را با دولت های شکست یافته در آن جنگ امضا کنند و رابطه های پساجنگی میان دولت های درگیر در آن جنگ را سروسامان دهند. کنفرانس پاریس پیمان های صلح را با دولت های زیر آماده ساخت: آلمان، اتریش، بلغارستان، مجارستان و امپراتوری عثمانی. م

¹⁵ "United Nations Conference on the law of Sea", vol. VII, Geneva, 1958, p. 12

¹⁶ Ibid

¹⁷ پیمان ورسالی قرار دادی است که در ۲۸ جون سال ۱۹۱۹ میلادی در کاخ ورسالی واقع در حومه پاریس به امضا طرفهای درگیر جنگ جهانی اول رسید و رسمن به نخستین جنگ جهانی خاتمه داد. این معاهده در تاریخ ۱۰ جنوری ۱۹۲۰ به مرحله اجرا گذاشته شد. این قرارداد از مشهورترین قراردادهای تاریخ است و با توجه به پیامدهایی که داشت می توان آنرا در زمره تاثیرگذارترین و سرنوشت سازترین

چنین بازتاب یافته است: «همچنان گواهینامه‌ها و مدرک‌های که توسط دولت‌های نوپا به کشتیها داده میشوند به رسمیت شناخته خواهند شد، صرف نظر از اینکه آن دولت‌ها ساحل دریایی دارند یا ندارند، به شرطیکه آن گواهینامه‌ها و مدرک‌ها مطابق با عرف پذیرفته شده در دولت‌های مهم دریایی اعطا گردیده باشند.

طرف‌های عالی متعاهد موافقتند که بپیرق کشتی‌های هر دولت اتحادی یا متحد را که ساحل دریایی ندارند، به رسمیت می‌شناسند؛ هنگامیکه، این کشتی‌ها در نقطه معینی در خاک آن کشور ثبت شده باشد؛ آن نقطه، به منزله بندر ثبت نام برای آن کشتی‌ها قبول خواهد شد».¹⁸

مقرره‌های همانند این، در ماده ۲۲۵ معاهده صلح سن ژرمن¹⁹، در ماده ۱۵۳ معاهده صلح نویی²⁰، در ماده ۲۰۹ معاهده صلح تریانون²¹ و ماده ۲۶۵ معاهده صلح سور²² نیز گنجانیده شده است.

قراردادهای تاریخ به حساب آورد، در این معاهده امپراتوری آلمان باید خلع سلاح می‌شد و به متفقان خسارت می‌پرداخت. دولت نازی، که در ۱۹۳۳ بر سر کار آمد، رفته رفته از زیر محدودیت‌های نظامی شانه خالی کرد و گرامت‌ها نیز اندک اندک کاسته و در ۱۹۳۲ بخشوده شد. پیمان ورسای یکی از انگیزه‌های سرکشی دوباره قدرت‌طلبی آلمانی‌ها و پیروزی نازیسم در آلمان و به راه افتادن جنگ جهانی دوم بود. (منبع: ویکی پدیا؛ دانشنامه آزاد). م

¹⁸ Ю. В. Ключников и Сабанин. Итоги империалистической войны. Серия мирных договоров. Вып. I, М., 1925

¹⁹ معاهده سن ژرمن (Treaty of Saint-Germain-en-Laye) سال ۱۹۱۹ ترسایی

در پایان جنگ جهانی اول، در شهرک سن ژرمن لی، فرانسه، میان کشورهای متفق (یا متفقان) در جنگ جهانی اول از یکسو و جمهوری اتریش از سوی دیگر امضا شد. م

²⁰ این پیمان در ۲۷ نوامبر اسل ۱۹۱۹ در شهر نوی-سورسن (Treaty of Neuilly-sur-Seine) فرانسه، میان کشورهای متفق (متفقان) در جنگ جهانی اول از یکسو و

بلغارستان از سوی دیگر امضا شد. م

²¹ پیمان تریانون (Treaty of Trianon). این پیماننامه پس از پایان جنگ جهانی اول

میان میان کشورهای متفق (متفقان) در جنگ جهانی اول از یکسو و پادشاهی مجارستان (هنگری) از سوی دیگر امضا شد. مجارستان که در بین جنگ جهانی نخست در صف دولت‌های محور علیه متفقان می‌جنگید، پس از شکست توسط کشورهای پیروز، به پیمانی معروف به تریانون در سال ۱۹۲۰ تن داد. بر اساس این پیمان مجارستان دو سوم گسترده‌ی سرزمین و یک سوم جمعیت خود را از دست داد. با این پیمان مجارستان از دریای آزاد محروم گردید. م

حق کشورهای محاط در خشکه به داشتن پرچم دریایی بر فراز کشتی های خویش، به گونه نهایی، در اعلامیه برسلون ۲۰ اپریل سال ۱۹۲۱ ترسایى مربوط به شناسایی حق پرچم برای این کشورها که در نخستین کنفرانس عمومی درباره وسیله های ارتباط و ترانزیت به امضا رسید، تأیید شد.²³

ولی این حق در هیچیک از معاهده های که در بر سلون تصویب شده بود گنجانیده نشد.²⁴ این اعلامیه امکان داد، از یکسو، حتا دولتهای که به این یا آن علت، نمی خواستند شریک معاهده های برسلون باشند، اعلامیه را امضا کنند، و از سوی دیگر، دشواریهای حقوقی را از سر راه برداشت که ممکن بود در صورت فسخ یکی از معاهده های برسلون، توسط دولتهای شریک، پدید آیند.

²² معاهده سور (Sevr) در روز ۱۰ اوت سال ۱۹۲۰ میلادی برای تنبیه امپراتوری عثمانی که در جنگ جهانی اول در کنار امپراتوری آلمان و امپراتوری اتریش - مجارستان وارد جنگ شده بود، میان نیروهای پیروز متفق در جنگ جهانی اول (روسیه، بریتانیا و فرانسه)، و امپراتوری عثمانی امضا شد. در آن هنگام، بریتانیایی ها و فرانسوی ها تنگه های داردانل و بسفور و شهر استانبول را تصرف خود داشتند. در پیمان سور پیش بینی شده بود، ساحل غربی آناتولی (دریای اژه) به یونانی ها داده شود و یک دولت کرد، در بخش های شرقی آناتولی ایجاد شود، به عبارت دیگر سرزمین امپراتوری عثمانی تجزیه می شد. سرزمین های عرب نشین امپراتوری عثمانی به نوبه خود تحت قیمومت بریتانیا و فرانسه درآمدند. براساس معاهده سور قلمرو امپراتوری عثمانی به منطقه آناتولی که اهالی آن منحصرن ترک تبار بودند، محدود شد. پیمان سور موجب ظهور جنبش ملی گرایان ترک شد. ملی گرایان ترک و بخش اعظم نیروهای ارتش علیه سلطان محمد ششم دست به شورش زدند. به اعتقاد حقوق دانان معاهده سور برای ترکیه و کردها در کردستان ترکیه دارای اهمیت تاریخی می باشد. پیمان سور می تواند در آینده در ترکیه مورد استناد کردها قرار گیرد. پیمانهای فوق به صورت کل، سامانه بهم پیوسته معاهده وارسالی را می سازند که میان دولتهای متفق از یکسو و کشورهای شکست خورده در جنگ جهانی نخست، یعنی آلمان و متحدانش: اتریش، هنگری (مجارستان)، بلغارستان و ترکیه، از سوی دیگر، بسته شد. (منبع دانشنامه آزاد). م

²³ «League of the Nations Treaty Series», vol. 7, p.73

²⁴ در کنفرانس سال ۱۹۲۱ در برسلون، دو معاهده یکی درباره آزادی ترانزیت و دیگری درباره رژیم حقوقی راههای خشکه ای دارای اهمیت بین المللی، تصویب شد و همچنان در آن دو قطعنامه پذیرفته شد: یکی درباره وضعیت حقوقی بندرها و دیگری درباره پرسیمانهای وضعیت بین المللی راههای آهن. م

پذیرش حق کشورهای محاط در خشکه به داشتن پریم دریایی اهمیت استثنایی داشت. پذیرش این حق در حقیقت به معنای گسترانیدن هنجارها و اصل های حقوق بین الملل دریاها بر کشورهای محاط در خشکه بود .

پیماننامه ژنیو سال ۱۹۵۸ ترسای دربارۀ دریاهای آزاد، حق همه کشورها را، صرف نظر از اینکه دارای ساحل دریایی می باشند یا نمی باشند، به داشتن کشتی به زیر پرچم ملی خویش، تأیید نمود.²⁵ در ماده ۵ پیماننامۀ یادشده نوشته شده است که هر دولت «چگونگی اعطای ملیت به کشتی ها، نامنویسی (یا ثبت نام) کشتیها را در سرزمین خویش و بفرارستن پرچم بر فراز کشتی ها را خودش تعیین می کند». در ماده ۲ پیماننامه گنجانیده شده است که همه دولتها، چه دولتهای ساحلی و چه دولتهای بدون ساحل به گونه یکسان از اصل آزادی دریای آزاد برخوردار می باشند. در ماده ۱۴ پیماننامه دربارۀ دریای سرزمینی و منطقه مجاور، درج شده است که «کشتی های تمام کشورها، هم کشورهای ساحلی و هم کشورهای بدون ساحل، از حق عبور بی ضرر در آبهای سرزمینی برخوردار می باشند».²⁶

پیشنوشت های ماده های یاد شده پیماننامه ۱۹۵۸ دربارۀ شناسایی حق کشورهای محاط در خشکه به داشتن پرچم دریایی، در پیشنویس پیماننامۀ نوین حقوق دریاها، نیز پشتیبانی گردیده است. حقوقدان هندوستانی ناژندرا سینگ درین زمینه می نویسد که «اصل برابری دولتها باعث ایجاد نگرۀ (دکترین) برابری بیرق ها شد که به نوبت خود اصل آزادی کشتیرانی به زیر تمام بیرق ها را تصدیق می کند».²⁷

²⁵ «Ведомости Верховного Совета СССР», 16 ноября, 1962 г., No 46 ст. 2.

²⁶ «Ведомости Верховного Совета СССР», 21 октября, 1964 г., No 43 ст. 14.

²⁷ Nagendra Singh. International Law. Problems of Merchant Shipping. - «Academie de droit internatinal», vol. 107, La Haye, 1962, p 18